



مفهوم سکونت

○ کریستیان نوربری - شولتز

○ ترجمه محمود امیر یار احمدی

○ انتشارات آگه، ۱۳۸۱

که نیاز به سکونت به مفهوم واقعی کلمه جوابگو باشد، هموار شده است.

نویسنده در بحث سکونت و هستی به چهار شیوهی سکونت اشاره می‌کند. آبادی را نخستین مکانی می‌داند که باید بررسی شود. و جهت وقوف بر هر آبادی بدیهی است که باید محیط طبیعی مفروضی نیز در نظر گرفته شود، پس آبادی بنا بر نظر شولتز صحنه‌ی رخداد سکونت طبیعی است. آبادی به واقع همراه با فضاهای شهری همواره صحنه‌ای بوده که سکونت مجتمع در آن به ایفای نقش پرداخته است. فضاهای شهری نگهداری از جهان مرتبط با سکونت مجتمع را برعهده گرفته و به پدیدآوری این جهان می‌پردازند.

از طرفی در آبادی این‌ها دیده می‌شود که به تجلی ارزش‌های مشاع سکنه پرداخته‌اند. اکنون این گزینش‌ها صورت گرفته و سکونت براساس توافق شکل عمودی به خود گرفته است. پس سکونت در قالب مجموعه‌ای از نهادها (مؤسسات) که به توضیح جهان می‌پردازند به ساختار رسیده است.

از طرفی بشر مقصود و مراد از زندگی را در خانه نیافته است، و نقشی را که هر فرد در زندگی قبول می‌کند بخشی است از مجموعه‌ای متشکل از اعمال متقابل که در جهانی عمومی و مبتنی بر ارزش‌های مشاع واقع می‌گردند. برای مشارکت ناچار از ترک گفتن خانه و گزیدن هدفی هستیم. با این وصف پس از انجام وظیفه اجتماعی خود به خانه عقب نشینی می‌کنیم تا هویت فردی را باز یابیم. پس هویت فردی در سکونت خصوصی مستتر است.

می‌توان گفت شولتز آبادی و نهاد و خانه را در کنار یکدیگر به وجود آورنده یک «محیط کل» می‌داند. محیطی که همواره به آنچه بر طبیعت ارزانی شده یعنی به چشم اندازی که علاوه بر دارا بودن کیفیت‌های عمومی ویژگی‌های خاص خود را نیز داراست وابسته است. پس سکونت می‌تواند به این مفهوم که دلالت بر برقراری صمیمیت با مکانی طبیعی است نیز دست می‌یابد.

اثر حاضر نخست در سال ۱۹۸۴ به زبان ایتالیایی منتشر و در سال ۱۹۸۵ به انگلیسی ترجمه شده است و کتاب جمع بندی و حاصل مطالعات چند ساله نویسنده در زمینه‌ی کتاب سکونت به معنی واقعی کلمه است.

سکونت در واقع نشانی است از پیوندی پرمعنا میان انسان و محیط مفروض. پیوندی که نشأت گرفته از تلاشی است برای هویت یافتن، و به دیگر سخن به مکانی احساس تعلق پیداکردن. و می‌توان گفت زمانی انسان بر خود آگاهی می‌یابد که مسکن انتخاب کرده و هستی خود را در جهان تثبیت کرده باشد.

نوربری شولتز، معمار نروژی در کتاب هستی، فضا و معماری تحلیلی متمایز در رابطه انسان و فضای مصنوع ارائه می‌دهد و شاید برای اولین بار پدیده‌شناسی هایدگر را به معماری وارد می‌سازد. تفکر و برداشت صحیح از اندیشه هایدگر و تأکید او بر فضائیت وجود انسان، شولتز را بر آن داشت که به مطالعه‌ی جنبه‌های فضایی «جهان - حیات» بپردازد و در نتیجه‌ی پدیده‌شناسی محیطی که پیگیر موضوعات طبیعت و ساختار مکان در ارتباط با حیات است توسط او عرضه شد.

وی بر این اعتقاد بوده که اوضاع بحرانی فعلی، تنها با نگهداری آن چه در کنارمان واقع گشته، یعنی «چیزها» در مسیر بهبود خواهد افتاد، چرا که همه‌ی مکان‌ها به واسطه‌ی همین «چیزها» مشخص می‌شوند. عشق او به مکان و زمین که بخشی از هستی در جهان است، باعث ترجیح آنها بر موضوعات فنی می‌شود. به قول او سکونت ورای مفهومی چون سقفی بر بالای سر قرار دادن و به زیر پا آمدن چند متر مربع زمین است.

مفهوم سکونت را از کتاب همان طور که در پیشگفتار نیز به آن اشاره شد می‌توان به صورت زیر تشریح نمود:

- دیدار با دیگران به قصد داد و ستد تولیدات، افکار و احساسات

- توافق با دیگران، به مفهوم پذیرش مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک

- دستیابی به موجودیت از طریق گزینش جهانی کوچک و از آن خود

شولتز با بیان اینکه سکونت تعیین کننده موقعیت و احراز هویت است، معتقد است برای آزمودن پرمعنائی هستی، باید از مکان خود و چگونگی قرار گرفتن در آن آگاه بود.

تعریفی که ما از مفهوم مکان داریم در مقابل تأکیدی که امروزه بر فضای مجازی روا گردیده، نقطه عطفی برای برگشت به معماری تمثیلی است. در نتیجه روش عاری از تمثیل عملکرد گرایی کنار گذاشته شده و شکلی از معماری